

ارزیابی دیدگاه مفسران در زمان وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام

علیرضا شریف*
یوسف همتی**
سید مجید مطهری نژاد***

چکیده

در سوره اسراء اشاره به دو فساد بنی اسرائیل شده است. عده‌ای از مفسران وقوع این فسادها را در زمان‌های گذشته دانسته‌اند. از این میان بخش قابل توجهی از تفاسیر، وقوع این فساد و سرکوبی آن را در زمان بُخْتِ النَّصْرِ می‌دانند. حال آنکه در هیچ‌یک از روایات مصداق «أولی بَأْسٍ شَدِيدٍ» به افرادی در گذشته اطلاق نشده است و به تبع آن فساد بنی اسرائیل و همچنین سرکوبی فساد بنی اسرائیل نیز توسط «أولی بَأْسٍ شَدِيدٍ» در آخرالزمان تحقق خواهد یافت. صاحب جامع البیان وقوع این فساد و سرکوبی آن را در زمان بُخْتِ النَّصْرِ می‌داند اما بقیه مفسران در این باره یا نظریه جدیدی را ارائه نکرده‌اند یا بدون هیچ‌گونه اظهارنظری در مورد آن، صرفاً به نقل نظر وی پرداخته‌اند. مقاله حاضر با بررسی و تحلیل متون تفسیری، به نقد و بررسی امکان وقوع فساد مطرح‌شده در آیه چهارم سوره اسراء در قبل از اسلام، می‌پردازد. وقوع فساد و سرکوبی آن در زمان قبل از اسلام به‌ویژه توسط بُخْتِ النَّصْرِ، را بر پایه شواهد تاریخی موجود و دلایل روایی و تحلیل منطقی ردّ نموده و امکان وقوع این وعده را اولاً به دوران پس از اسلام و سپس به‌طور دقیق‌تر به حوالی زمانی دوران آخرالزمان و قبل از ظهور موكول می‌نماید.

واژگان کلیدی

آیه ۴ اسراء، آخرالزمان، أولی بَأْسٍ شَدِيدٍ، فساد بنی اسرائیل، صهیونیسم، بُخْتِ النَّصْرِ.

*. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی و عضو گروه پژوهشی مطالعات قرآنی تمدن و مهدویت دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).
ali.sharif.90@alumni.ut.ac.ir

** . طلبه حوزه علمیه و عضو گروه پژوهشی مطالعات قرآنی تمدن و مهدویت دانشگاه امام صادق (ع).

asghar.hem@gmail.com

sm.motahari@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۹

***. استادیار گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق (ع).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۳

طرح مسئله

قرآن کریم در آیات اولیه سوره اسراء به دو فساد بنی اسرائیل اشاره نموده است. کشف مصداق این فسادها محل اختلاف محققان و مفسران فریقین است.

برخی از محققان در خصوص موارد و مؤلفه‌های اثرگذار در تعیین مصداق و تفسیر این آیات گام برداشته‌اند. از این دسته می‌توان به مقاله «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل با تکیه بر عدم ترادف در ترکیب وصفی «عبادا لنا»» اشاره نمود که به مصداق‌یابی دقیق‌تر «عبادا لنا» کمک می‌کند. (مؤدب و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۶ - ۷۹) برخی دیگر نیز، مانند مقاله «مفاد آیات وعید بنی اسرائیل در سوره اسراء»، (رضایی کهنمویی، ۱۳۹۷: ۲۴۹ - ۲۲۵) و مقاله «بازنگاهی تحلیلی به فرجام بنی اسرائیل در آخرالزمان با بررسی تطبیقی آیات ۴ تا ۷ سوره اسراء» (خوشدونی و دیگران؛ ۱۳۹۹: ۶۹ - ۴۵) کلیات و روند ماجرای فرجام بنی اسرائیل و موضوعات وابسته به آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند.

تلاش‌های متعددی در تفاسیر برای رمزگشایی از این دو فساد بنی اسرائیل انجام گرفته است. «در معرفی دو فساد این قوم، از آنجا که مجموعه فسادهای آنان در تاریخ بیش از آن است که بتوان آن را منحصر به دو مورد دانست، دچار مشکلی جدی شده‌اند». (همایون، ۱۴۳۲: ۲۱) و منشأ تعدد آراء و نظرات گوناگون شده است. عده‌ای از مفسران معتقدند این فسادهای بنی اسرائیل در زمان‌های گذشته انجام شده که این اقوال در کتب تفسیری آنها موجود است و در مواضع مربوطه در این مقاله نقل شده‌اند.

در تفاسیر روایی در ذیل این آیات، روایات متعدد تأویلی و تفسیری جمع‌آوری گردیده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به مواردی اشاره نمود که با بیان تشابه میان یهود و گروهی از امت اسلامی سعی در تقبیح و تبیین افکار مخالفان ولایت و مقایسه آنان با پیروان ولایت دارند.

گروهی از مفسران نیز روایات مذکور را از باب انطباق معصوم علیه السلام با روایت «خذوا النعل بالنعل» می‌دانند که در آن، امت اسلام با امت یهود به نوعی مقایسه شده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۵۷؛ همایون، ۱۴۳۲: ۲۳) به‌عنوان نمونه محمدهادی همایون در کتاب **تاریخ تمدن و ملک مهدوی** علیه السلام نظر مفسران را نقل نموده و سپس مبنای رأی خود را روایت امام صادق علیه السلام قرار داده و می‌نویسد:

در این آیات سرنوشت بنی اسرائیل پیش‌بینی شده و کاملاً جای تعجب دارد که هنوز علی‌رغم رویارویی بزرگی که پس از انقلاب اسلامی میان ما و رژیم صهیونیستی جریان دارد، تفسیر و بررسی این آیات مورد توجه جدی قرار نگرفته است. (همایون، ۱۴۳۲: ۲۱)

افراد صاحب تفسیر دیگری نیز در این خصوص یا اظهار نظری ننموده‌اند یا همانند شهید مطهری در

مجموعه آثار خود تنها به ذکر قاعده کلی فساد بنی اسرائیل و سرکوبی آن، بسنده کرده‌اند.

در آثار مکتوب تفسیری رهبر معظم انقلاب، نظری در این زمینه یافت نشد اما ایشان در سخنان خود بارها به نابودی اسرائیل در آینده‌ای نزدیک بشارت داده‌اند، که خود ناظر به قبول عدم وقوع در زمان گذشته به زعم معظم له است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به سخنان رهبر معظم انقلاب در ۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۳ در دیدار با احمد جبرئیل دبیرکل «جبهه مردمی برای آزادی فلسطین» اشاره نمود. (سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری www.khamenei.ir)

از میان مفسران گروه بسیار اندکی مانند صاحب تفسیر **الفرقان** (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۴۵ - ۳۳) و **فی ظلال القرآن** (سید قطب، ۱۴۲۵: ۴ / ۲۲۱۴) نظرات متفاوتی داشته و وقوع حداقل بخشی از آن را به آینده موکول نموده‌اند.

در مجموع تلاش مفسران در این زمینه را می‌توان در قالب دو دوره زمانی، جمع‌بندی و تحت دو نظر اصلی ذیل، دسته‌بندی نمود: نظر وقوع قبل از اسلام و نظر وقوع بعد از اسلام.

مسئله و موضوع پژوهش حاضر بررسی نظر مفسرانی است که زمان وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل را در گذشته می‌دانند. از این‌رو نگاهی مقایسه‌ای به کل نظرات و تفاسیر انجام نشده و این نوشتار تنها به نقد و بررسی نظر نخست پرداخته و بررسی نظر دوم به مقاله دیگری موکول می‌گردد. در خصوص موضوع این مقاله و مقایسه و ارزیابی تفاسیر در این زمینه و نیز بررسی موضوع اسرائیل با استفاده از آیات ابتدایی سوره اسراء و بررسی دیدگاه مفسرانی که وقوع این فساد و سرکوبی آن را در گذشته می‌دانند، تا کنون کتاب مستقلی تألیف نگردیده است. اما برخی از محققان در تألیفات خود به‌صورت موضوعی و تنها با استفاده از روایات، بخش‌هایی از کتابشان را به «بنی اسرائیل در آخرالزمان» اختصاص داده و به ذکر نکاتی درباره نسبت انقلاب اسلامی و وقایع مربوطه در دوران پیش از ظهور پرداخته‌اند.

بررسی احتمال‌های موجود در وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام

برای وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام، دو احتمال عمده وجود دارد. یکی فساد در زمان **بُخْتُ النَّصْرِ** یعنی حدود ۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح ﷺ و دیگری در زمان حضرت سلیمان ﷺ یعنی حدود ۹۵۰ سال پیش از میلاد حضرت مسیح ﷺ.

احتمال یکم: فساد بنی اسرائیل در زمان حضرت سلیمان ﷺ

با توجه به ماجرای «تعلیم و بهره‌برداری از سحر» توسط یهود، ممکن است مصداق فساد در زمان حضرت سلیمان ﷺ در نظر گرفته شود.

و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می‌آموختند، کافر شدند ... (بقره / ۱۰۲)

احتمال دوم: تحقق فساد اول در زمان بُخْتُ النصر (۷۵۰ ق.م)

تفسیر جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷) و مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۱۳: ۶ / ۶۱۴) و نیز المیزان (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۴) و صاحب کتاب نور ملکوت قرآن (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۴ / ۲۹۷) و تفسیر مفاتیح الغیب (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۹۹) و تفسیر سوره اسراء^۱ جوادی آملی این فساد را به زمان بُخْتُ النصر نسبت داده‌اند.

شیخ طوسی در التبیان این فساد را به زمان بُخْتُ النصر (۷۵۰ ق.م) و جالوت (۱۲۰۰ ق.م) نسبت می‌دهد. (طوسی، ۱۴۱۲: ۶ / ۴۴۸) زمخشری در الکشاف همچنین ابوحیان اندلسی در البحر المحیط قتل حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام را مصادیق دو فساد و عامل سرکوبی را بُخْتُ النصر می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۴۹) البته اقوال دیگران درباره نسبت آن به زمان جالوت و ... را نیز مطرح می‌کنند. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۷ / ۱۳) و کنز الدقایق تنها به نقل اقوالی از انوار التنزیل - که خلاصه تفسیر الکشاف است - اکتفا می‌کند. که برخی اشاره به همین احتمال دوم؛ یعنی سرکوبی توسط بُخْتُ النصر دارند. (قمی مشهدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۳۵۸)

دسته‌ای دیگر چون تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب در مقابل این تفاسیرند که در بیان دیدگاه‌های خود هیچ‌گونه اشاره‌ای به وقوع فساد مورد نظر در زمان بُخْتُ النصر ندارند و زمان دیگری برای آن قائلند. صاحب تفسیر راهنما معتقد است که نمی‌توان در مورد وقوع آن نظری را به قطعیت پذیرفت. (هاشمی رفسنجانی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۲۳)

صاحب تفسیر نمونه به نقل از المیزان می‌نویسد:

برخی گفته‌اند: بیت المقدس یک بار در زمان حضرت داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام ساخته شد و بُخْتُ النصر آن را ویران کرد، این همان وعده اولی است که قرآن به آن اشاره می‌کند و بار دیگر در زمان پادشاهی هخامنشی ساخته شد و آن را طیطوس رومی ویران ساخت. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۸)

۱. سایت علوم وحیانی بنیاد بین‌المللی اسراء، قسمت دروس، بخش مجموعه دروس تفسیر: تفسیر سوره اسراء جلسه ۹ و ۱۰ به نشانی:

http://www.portal.esra.ir/Pages/index.aspx?SecondPageCommand=Q29udGVudHNHcm91cExpc3QxJjd%2bMTE1_bmRGTltSlv0%3d

البته این نظریه در جای دیگری در همین تفسیر نقد می‌شود.

ترجمه آیه ۵ و ۶ سوره اسراء در تفسیر **المیزان** چنین است:

پس چون وقت انتقام اول فرا رسید بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را (چون بُخْتُ النصر) بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه‌های شما نیز جستجو کنند و این وعده انتقام، حتمی خواهد بود. آن‌گاه شما را روبه‌روی آنها قرار داده و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده جنگجویان شما را بسیار گردانیم (تا بر دشمن و لشکر بُخْتُ النصر غلبه کنید). (طباطبایی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۴۵)

در مقام ریشه‌یابی این نظر تفسیری باید گفت، نخستین و قدیمی‌ترین منبع بیان این احتمال، تفسیر **جامع البیان** است، که روایتی را به نقل از رسول الله ﷺ ذکر می‌کند. این روایت، قتل زکریا علیه السلام توسط بنی اسرائیل را منطبق بر فساد اول و قتل یحیی بن زکریا علیه السلام را منطبق بر فساد دوم بنی اسرائیل معرفی می‌کند و مصداق سرکوبی اول، سرکوبی بنی اسرائیل توسط بُخْتُ النصر و سرکوبی توسط ابطیانحوس را مصداق سرکوبی دوم ذکر می‌نماید و برای بنی اسرائیل طغیان سومی هم با دو احتمال سرکوبی آن، یکی توسط طیالس و یکی توسط قاقس بن اسبایوس مطرح می‌کند.

۱. استنادهای روایی صاحبان این نظر

متن روایات مرتبط و ترجمه آنها، بدین شرح است:

ترجمه روایت اول، «ابن‌زید: فساد کردن کسانی که دو بار در زمین فساد می‌کنند، کشتن زکریا علیه السلام و فرزندش یحیی علیه السلام است. خدا به ازای کشتن زکریا علیه السلام شاپور ذوالاکتاف از پادشاهان فارس و به ازای کشتن یحیی علیه السلام بُخْتُ النصر را بر آنها حاکم گردانید.» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷)

ترجمه بخش مرتبط از روایت دوم، «از حذیفه از رسول خدا ﷺ درباره ماجرای مهدی علیه السلام و فتح رومیه نقل شده که: سپس بر آن چهار تکبیر گویند، پس دیوارش سقوط می‌کند، پس در آنجا ۶۰۰ هزار نفر کشته، و از آنجا زیورهای بیت‌المقدس را خارج سازند و همچنین تابوت سکینه و ... حذیفه گوید: عرض کردم ای رسول خدا، چگونه به اینها رسیدند؟ گفت: رسول الله ﷺ فرمود: همانا بنی اسرائیل هنگامی که سرکشی کردند و انبیاء را کشتند، خداوند بُخْتُ النصر را علیه آنان برانگیخت پس به خاطر آن ۷۰ هزار نفر از بنی اسرائیل را کشت و سپس خداوند بر آنها رحم کرد و به پادشاهی از پادشاهان فارس وحی کرد که به سوی بندگان من حرکت کن و آنها را از دست بُخْتُ النصر نجات بده و او نیز آنها را به بیت‌المقدس برگرداند، و آنها هم ۴۰ سال مطیع پروردگار بودند. سپس بازگشتند و آن فرموده خداوند در

قرآن است که «وَإِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا» «و اگر برگردید ما نیز باز می‌گردیم». یعنی اگر به سرکشی و طغیان باز گردید ما نیز با بدترین عذاب به سویتان خواهیم آمد و آنها به معاصی برگشتند. بنابراین خدا بر آنها «طیالس» پادشاه روم را مسلط گردانید. که آنها را به اسیری برد...» (یزدی حایری، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۴۶)

ترجمه روایت سوم، «رسول الله ﷺ فرمود: هنگامی که بنی‌اسرائیل سرکشی کردند و انبیاء را کشتند، خداوند بُخْتُ النصر، پادشاه فارس که ۷۰۰ سال پادشاه بود را به سوی آنان روانه ساخت تا داخل بیت‌المقدس گردید آن را محاصره و فتح نمود و به ازای خون زکریا ﷺ ۷۰ هزار نفر را کشت. سپس خانواده آنها و فرزندان انبیاء را به اسارت برد و گنج‌های بیت‌المقدس را به غنیمت گرفت و از آنجا ۱۷۰ هزار گوساله از جواهر را خارج نموده و به بابل آورد. حذیفه گوید: عرض کردم ای رسول خدا آیا حقیقتاً بیت‌المقدس نزد خداوند عظیم است و شأن‌الوالایی دارد؟ فرمود: آن را سلیمان بن داوود ﷺ از طلا و دُرّ و یاقوت و زبرجد بنا نمود و ملات آن ملاتی از طلا و ملاتی از نقره است و ستون‌های آن از طلاست که خداوند آن را عطا نموده است و شیاطین را مسخر او گردانید و این اشیاء را شیاطین در چشم بر هم زدنی برایش آوردند و بُخْتُ النصر این اشیاء را حرکت داد تا به بابل وارد نمود و بنی‌اسرائیل ۱۰۰ سال زیر دستان او بودند و آنها را مجوس و فرزندان مجوس عذاب و شکنجه می‌نمود که در میانشان انبیاء و فرزندان انبیاء نیز قرار داشت. سپس خداوند بر آنها مرحمت نمود و بر پادشاهی از پادشاهان ایران که مؤمن بود وحی نمود که برو به بقایای بنی‌اسرائیل و آنها را نجات بده، پس کورش بنی‌اسرائیل را حرکت داد و گنج‌های بیت‌المقدس را تا اینکه آنها را به بیت‌المقدس بازگرداند. پس بنی‌اسرائیل ۱۰۰ سال مطیع خداوند شدند. پس آنها در مواضعی بازگردیدند و خداوند ایطیانحوس را بر آنان مسلط گردانید پس با فرزندان کسانی که با بُخْتُ النصر جنگیده بودند نبرد کردند و بنی‌اسرائیل جنگیدند تا اینکه به آنان بیت‌المقدس داده شد. پس اهل آنجا را به اسارت بردند و بیت‌المقدس را به آتش کشیدند و به آنها گفت: ای بنی‌اسرائیل اگر به سرکشی و گناهان بازگردید ما با سبأ به سویتان باز خواهیم گشت. سپس آنها به سرکشی و گناه بازگشتند، و خداوند سبأ سوم پادشاه رومیه که به او قاقس بن اسبایوس گفته می‌شد را به سوی آنان گسیل نمود. او با آنان در دریا و خشکی جنگید، و او آنان را به اسیری گرفت و گنج‌های بیت‌المقدس را به غنیمت برد، و بیت‌المقدس را به آتش کشید. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: این است آنچه بر سر گنج‌های بیت‌المقدس آمده است و مهدی ﷺ آن را به بیت‌المقدس باز می‌گرداند که آن ۱۷۰۰ کشتی است که در «یافا» لنگر انداخته‌اند و به وسیله آن به بیت‌المقدس منتقل می‌نماید، و به وسیله او خداوند اولین و آخرین را جمع می‌کند.»

(طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷)

۲. دسته‌بندی نظریه فساد، با استناد به این سه روایت

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد:

طبری در تفسیر خود نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: مراد از فساد اول قتل حضرت زکریا ﷺ و گروهی دیگر از پیامبران است و منظور از وعده نخستین، وعده انتقام الهی از بنی اسرائیل به وسیله «بخت النصر» می‌باشد و مراد از فساد دوم، شورش است که بعد از «آزادی به وسیله یکی از سلاطین فارس» مرتکب شدند و دست به فساد زدند و مراد از وعده دوم هجوم «انطیاخوس» پادشاه روم است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۹)

نقد احتمال‌های موجود در وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام

۱. رد احتمال اول یعنی فساد در زمان حضرت سلیمان ﷺ

فساد مردم در زمان سلیمان ﷺ نمی‌تواند مصداق این ماجرا باشد. در ادامه به ذکر چند نکته و دلیل اشاره می‌شود که در احتمال وقوع در آن زمان تشکیک جدی ایجاد می‌کند.

یک. عدم توالی فساد و سرکوبی آن

طبق توالی که در ظاهر آیه ۵ سوره اسراء مطرح شده اگر فعل بنی اسرائیل در زمان حضرت سلیمان ﷺ مصداق یکی از فسادهای بنی اسرائیل باشد. باید پس از آن فساد، توسط «اولی باس شدید» نیز سرکوبی انجام گرفته باشد و «فجاسوا خلال الدیار» نیز پس از آن فساد، به صورت متوالی و متصل، تحقق یافته باشد. (اسراء / ۵)

حال آنکه با مطالعه در منابع تاریخی متعدد، گزارشی تاریخی و یا مستند قرآنی از سرکوبی فساد با کیفیتی که در این آیات سوره اسراء مطرح شده پس از نبوت حضرت سلیمان ﷺ در محدوده زمانی فوق یافت نشده است.

دو. عدم انطباق محوریت فساد

در عبارت «بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ» آیه (اسراء / ۴) فاعل اصلی فساد، بنی اسرائیل هستند و اهل زمین به فتنه آنان مبتلا می‌شوند. حال آنکه در آیه ۱۰۲ سوره بقره فاعل اصلی فساد و کفر، «الشیاطین» بودند و بنی اسرائیل به فتنه آنان مبتلا شدند. (قرآنی، ۱۴۲۵: ۱ / ۱۷۱ و ۱۷۲)

اگرچه این اعتقاد درست است که ریشه اصلی همه بدی‌ها و فتنه‌ها شیطان است، اما قرآن در اینجا اصل فعل را به خود بنی اسرائیل نسبت نداده است. به استناد عبارت «و اتبعوا ما تتلوا الشیاطین» بنی اسرائیل در اینجا تبعیت کنندگان و دنباله‌روهای شیاطین بوده‌اند. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۱ / ۱۲۰)

سه. عدم انطباق محدوده و نوع فساد

فساد مطرح شده در آیه ۱۰۲ بقره در محدوده‌ای کوچک و در منطقه تحت حکومت حضرت سلیمان علیه السلام و از نوع سحر و جادو و اختلاف‌افکنی میان زن و شوهر بوده است. در زمان حضرت سلیمان علیه السلام از سرزمین بنی‌اسرائیل به‌عنوان «مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» (اعراف / ۱۳۷) یاد شده است که طبق قرائن، مقصود از آن منطقه فلسطین است و این علامتی دیگر از محدود بودن فساد در دوران حضرت سلیمان علیه السلام است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۱ / ۲۶۷)

حال آنکه محدوده فساد در آیه ۴ سوره اسراء «فی الارض» بیان شده اصل این عبارت به‌طور مطلق دلالت بر کل زمین دارد، مگر اینکه با قرینه‌ای بتوان آن را محدود نمود. شایسته نیست مصداق عبارت «الارض» که عام است، بدون هیچ قرینه‌ای محدود و مختص به منطقه و بخش کوچکی از یک سرزمین شود؛ زیرا قرینه‌ای برای این ادعا وجود ندارد. «و أرض الإفساد هي الأرض كلها، دون اختصاص بالقدس او فلسطين» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۳۳) مقصود از «فی الارض» در این آیه سراسر زمین می‌باشد؛ یعنی فساد به‌صورت فراگیر در کل زمین است.

همچنین نمی‌تواند «ال» عهد ذکری باشد و مقصود الارض را اطراف مسجد تلقی نمود؛ زیرا در این صورت باید «المسجد» گفته می‌شد چنان‌که در آیه ۷ نیز آمده است. بنابراین موضوع این فساد بنی‌اسرائیل نمی‌تواند با فساد مطرح شده در آیه ۴ سوره اسراء منطبق باشد.

چهار. عدم استفاده از واژه فساد

در آیه ۱۰۲ سوره بقره، واژه «فتنه» و «کفر» مطرح شده است. و در آیه ۴ سوره اسراء واژه «فساد» آمده است. واضح است که «فتنه» و «کفر» و «فساد» هرکدام معنا و کاربرد و ویژگی‌های خاص خود را دارند و نمی‌توان یکی را به جای دیگری به‌کار برد. بحث در معناسازی و نیز تفاوت این واژگان با هم مفصل است، ولی به‌عنوان نمونه: فتنه ایجاد اختلال و اضطراب است مصداق آن ممکن است خیر یا شر باشد اما فساد همیشه امری منفی است، (مصطفوی، ۱۴۰۷: ۹ / ۲۷ - ۲۵) اگر واژه «فساد» مورد نظر خداوند بود می‌توانست از این واژه استفاده کند که البته در آیه ۱۰۲ سوره بقره از این واژه استفاده نشده است.

پنج. عدم انطباق زمان سیاق آیات

زمان افعال اولین آیه سیاق، در سوره اسراء ماضی نیست. «لِئُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» (اسراء / ۱) فعل مضارع و لام تعلیل، در ابتدای آیه اول در این سیاق آمده است. خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله را از مسجد الحرام به مسجدالاقصی آورد تا موضوعاتی را به رؤیت ایشان برساند. پس خداوند می‌خواهد مواردی را مطرح کند

که مربوط به آینده بعد از رسالت حضرت رسول الله ﷺ است. همچنین زمان وقوع کلی ماجرای مطرح در سیاق را با قرائنی به آینده می‌برد و خداوند نمی‌خواهد گذشته را به رسول الله ﷺ نشان دهد، بلکه آیات عظیم مربوط به آینده را به رؤیت ایشان می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۷) در حالی که در آیه ۱۰۲ سوره بقره، موضوعی از گذشته بنی اسرائیل و همه با افعال ماضی مطرح شده است. دوران حضرت سلیمان ﷺ و ماجرای فتنه شیاطین در آن زمان، مربوط به حدود ۱۶۰۰ سال قبل از رسالت رسول الله ﷺ است. (ابوخلیل، ۱۴۳۴: ۱۰۴)

۲. رد احتمال دوم یعنی فساد و سرکوبی در زمان بُخْتُ النَّصْرِ (۷۵۰ ق. م)

یک. عدم انطباق تاریخی

با مطالعه نمودار ذیل، که با توجه به شواهد تاریخی و احادیث مربوط به تعیین زمان زندگی انبیاء ﷺ از منابع مختلفی چون *تاریخ ابن خلدون*، کتاب *اطلس قرآن*، و نیز برخی روایات، جمع‌آوری و تنظیم گردیده است.

عدم تطبیق زمانی میان حضرت یحییٰ ﷺ و بُخْتُ النَّصْرِ به‌وضوح مشهود است.

| سال بر مبنای میلادی تقریبی | سال بر مبنای هبوط آدم ﷺ | انبیاء | ملوک |
|----------------------------|-------------------------|------------------|-------|
| - ۷۰۰۰ | ۰ | هبوط آدم ﷺ | |
| - ۵۴۰۰ | ۱۶۴۲ | نوح ﷺ | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| - ۲۰۰۰ | ۳۳۲۳ | ابراهیم ﷺ | |
| | | | |
| - ۱۵۰۰ | ۴۰۸۵ | موسیٰ ﷺ | |
| | | | |
| | | | |
| | | | جالوت |
| - ۹۵۰ | ۴۶۳۵ | سلیمان ﷺ | |
| - ۷۵۰ | ۴۸۳۵ | بُخْتُ النَّصْرِ | |
| | | | |
| | | | کوروش |

| | | | |
|---------------|-----------------------------------------|------|-------|
| | | | |
| اسپیانوس | | ۵۴۸۵ | |
| | | | |
| | زکریا <small>علیه السلام</small> | ۵۵۰۰ | - ۱۰۰ |
| | یحیی <small>علیه السلام</small> | | |
| انطیاخوس | | | |
| | عیسی <small>علیه السلام</small> | ۵۵۸۵ | . |
| شاپوردولاکتاف | | ۵۹۶۴ | ۴۰۰ |
| | محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> | ۶۱۶۳ | ۵۵۰ |
| | | | |
| | معاصر | ۷۵۰۴ | ۲۰۲۰ |

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «انطباق تاریخ حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام بر تاریخ «بُخْتُ النصر» و «اسپیانوس یا انطیاخوس» محرز نمی‌باشد، بلکه بنا به گفته بعضی بُخْتُ النصر معاصر «ارمیا علیه السلام» یا «دانیال پیامبر علیه السلام» بوده، و قیام او حدود ۶۰۰ سال پیش از زمان حضرت یحیی علیه السلام صورت گرفته، بنابراین چگونه قیام بُخْتُ النصر می‌تواند برای انتقام خون حضرت یحیی علیه السلام صورت گرفته باشد». (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۹)

دو. عدم انطباق زمان سیاق آیات

فعل مضارع و لام تعلیل، در ابتدای آیه «لِئُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» (اسراء / ۱) در این سیاق آمده است. زمان افعال اولین آیه سیاق، در سوره اسراء ماضی نیست. خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله را از مسجد الحرام به مسجدالاقصی آورد تا موضوعاتی عظیم را به رؤیت ایشان برساند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۷) پس خداوند می‌خواهد مواردی را مطرح کند که مربوط به آینده؛ یعنی بعد از رسالت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است. همچنین زمان وقوع کلی ماجراهای مطرح در این سیاق را با قرآنی به آینده می‌برد. پس خداوند نمی‌خواهد گذشته را به رسول الله صلی الله علیه و آله نشان دهد بلکه آیات عظیم مربوط به آینده را به رؤیت ایشان می‌رساند.

در حالی که دوران بُخْتُ النصر حدود ۱۲۰۰ سال قبل از اسلام بوده و مربوط به گذشته مسجدالاقصی است. (رضازاده، ۱۳۸۴: ۱۵ - ۳)

سه. عدم انطباق زمانی با کاربرد واژه مسجد در قرآن

واژه مسجد و ۶ مشتق آن ۳۲ بار در قرآن و در ۳۱ آیه آمده است. با چینش زمانی این آیات مشخص می‌گردد که قدیمی‌ترین زمانی که این واژه در قرآن به کار رفته مربوط به ماجرای اصحاب کهف در آیه ۲۱ سوره کهف است. همچنین زمان زیست بُخْتُ النَّصْر ۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح ﷺ است. از لحاظ زمانی ماجرای اصحاب کهف مربوط به پس از دوران حضرت عیسی ﷺ است؛ یعنی تا قبل از آن دوران از این واژه کاربردی در قرآن وجود نداشته و از واژگانی چون محراب، معبد و ... استفاده شده است. بنابراین میان اولین مسجد که در قرآن ذکر شده تا زمان بُخْتُ النَّصْر بیش از ۷۵۰ سال فاصله وجود دارد و در زمان وی اصلاً مسجد وجود نداشت.

چهار. عدم انطباق با مصداق «عبادا لنا»

عبارت «ما گروهی از بندگان خود را که قدرت جنگی زیادی داشتند بر ضد شما مبعوث کردیم» (اسراء / ۵) نشان می‌دهد که گروه انتقام‌گیرنده مردان با ایمان بودند که شایسته نام «عباد» و عنوان «لنا» و همچنین «بعثنا» بوده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۳۱)

«قرآن، برای آن گروهی که فسادگران بنی اسرائیل را سرکوب می‌کنند، مصداقی بیان نکرده است. اما در تفاسیر، آن را به بخت النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و ... تطبیق داده‌اند، ولی هیچ‌کدام از آنان، با کلمه مقدس «بعثنا» که برای قیامت و بعثت انبیا آمده، و «عبادا لنا» که برای افرادی همچون پیامبران به کار رفته است، سازگار نیست. بنابراین شاید نظر آیه به آینده‌ای باشد که هنوز نیامده است.» (قرآنی، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۱)

در هر دو بار فساد، خداوند بنی اسرائیل را با عبارت «عبادا لنا» یعنی «بندگان منسوب به خود» به شدت سرکوب می‌کند، در حالی که به شهادت تاریخ در خونریزی و فساد بُخْتُ النَّصْر جای هیچ تردیدی نیست. (رضازاده، ۱۳۸۴: ۱۵ - ۳) او نمی‌تواند مصداق «عبادا لنا» باشد. ضمن این که با بررسی آیاتی که در آن «عبادا لنا» و «عبدنا» و «عبادنا» آمده است، مشاهده می‌شود که در تمامی دفعاتی که این عبارت در قرآن به کار رفته مصداق آن، فرد یا افرادی مثبت بوده و هیچ‌گاه مصداق آن، شخص یا اشخاص منفی نبوده است. نگارنده پژوهشی مفصل در این رابطه انجام داده که این مقاله مجال طرح آن نیست و در اینجا تنها به ذکر نتیجه آن اکتفا می‌گردد.

در مصداقیابی «عبادا لنا» دو ویژگی «بنده مخلص» و «مختص خدا بودن» در به دست آوردن مصادیق صحیح آیات، نقش اساسی دارد. «عبادا لنا» بندگان مخلص و مؤمن هستند. (مؤدب و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۸ و ۹۴)

پنج. عدم تناسب بُخْتُ النَّصْرِ با جایگاه مصادیق «عبد» در این سیاق

چنان که در ظاهر خود این آیات مشهود است، منظور از «عبد» در آیه نخست سوره اسراء حضرت ختمی مرتبت، رسول الله ﷺ است، (طبرسی، ۱۴۱۳: ۶ / ۶۱۱) و در آیه ۳ «عبدًا شکورا» وصفی برای پیامبری اولوالعزم؛ یعنی نوح ﷺ است. (طبرسی، ۱۴۱۳: ۶ / ۶۱۲)

با توجه به هماهنگی و تناسب معمول میان آیات یک سیاق، مصداق سومین عبد این سیاق که در آیه ۵ با عبارت «عبادا لنا» آمده است، باید افرادی مثبت و همراستا با دو مصداق قبلی و البته با درجه‌ای پایین‌تر باشند، تا این نظم و سیر نزولی، در این سیاق حفظ گردد. چنان که مصداق آن به درستی در روایات معصومان علیهم‌السلام، شیعیان خاصه و یاران امام عصر علیه‌السلام ذکر گردیده‌اند. بنابراین بُخْتُ النَّصْرِ که یکی از سلاطین جور و دارای شخصیتی بسیار منفی است (رضازاده، ۱۳۸۴: ۱۵ - ۳) نمی‌تواند مصداق عبد مورد نظر باشد.

شش. یکی نبودن قوم مهاجم در هر دو نوبت

«به سادگی از ظاهر آیات قابل برداشت است، قومی که در نوبت دوم وارد مسجد می‌شوند، همانانی هستند که در نوبت نخست نیز مسجد را فتح کرده بودند. این در حالی است که میان بابلیان، رومیان و ... تفاوت بسیار است و نمی‌توان آنان را یک قوم به حساب آورد.» (همایون، ۱۴۳۲: ۲۲) در آیه «وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ» (اسراء / ۷) سخن از دو بار، ورود یک قوم به بیت‌المقدس است، در حالی که تاکنون هیچ فسادی که به دنبال آن یک گروهی دو بار وارد بیت‌المقدس شده باشد، گزارش نشده است. اما کسانی که با استناد به روایت مذکور، معتقد به وقوع فساد در زمان بُخْتُ النَّصْرِ هستند، در حقیقت معتقدند که یک دسته از مهاجمان به یهود، نیروهای بُخْتُ النَّصْرِ بابلی و دسته دیگر تابع سلاطین رومی؛ یعنی اسبابوس یا قاقس یا طالیس و ... هستند و این با شرایط و ویژگی‌هایی که از ظاهر این آیات استنباط می‌شود، در تعارض است.

هفت. تعداد فسادهای بنی اسرائیل

طبق آنچه در منابع تاریخی و برخی روایات آمده است، بنی اسرائیل مرتکب قتل ۷۰ نفر از پیامبران خود شده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵ / ۲۸۴) اگر قرار باشد قتل انبیاء به عنوان فساد مطرح گردد و روایت مورد استناد تفسیر طبری را هم به عنوان اشاره به آن فسادها بپذیریم. پس به جای دو بار، حداقل مرتکب ۷۰ فساد در زمین شده‌اند، ولی دو فساد شاخص و متمایز از بقیه در آیه چهارم سوره اسراء، ذکر شده است. این موضوع از نظر تعداد با هم تفاوت آشکار و قابل توجهی دارد. بنابراین قتل انبیاء را نمی‌توان مصداق دو بار فساد تلقی کرد. ضمن اینکه ذیل این آیه نیز روایتی دال بر این موضوع یافت نشد.

هشت. عدم ارتباط کورش با بیت المقدس

طبق برخی نقل‌های تاریخی، «حضرت داود علیه السلام ساختمان مسجد بیت المقدس را شروع کرد ولی پیش از تمام شدن آن درگذشت و سلیمان علیه السلام آن را تمام کرد». (دینوری، ۱۳۷۱: ۴۵)

منظور از «مسجد» همان مسجدالاقصی در بیت المقدس است. با توجه به نام مسجدالاقصی که در آیه نخست آمده است و وجود «ال» در المسجد که در آیه ۷ آمده است. «عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» نیز برای سرکوب بنی اسرائیل به بیت المقدس و پیرامون آن وارد شده و به استناد «وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ» (اسراء / ۷) و به استناد «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» (اسراء / ۵) «بنی اسرائیل را خانه به خانه تعقیب می‌کند». اگر مبنای روایی طبری را بپذیریم، در به قدرت رسیدن بنی اسرائیل و آمادگی برای انجام فساد دوم آنان، کورش نقش اصلی دارد. طبق تاریخ او ناجی یهودیان است. سرکوبگر فساد آنان نیست.

کورش به بابل که مرکز حکومت بُخْتُ النصر است حمله می‌کند. ماجرای کورش اصلاً ارتباطی به بیت المقدس ندارد. او به فلسطین حمله نکرده و در جایی هم مطرح نشده که کورش آنها را به بیت المقدس آورده است. (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۳۵) درحالی که بحث در آیات مذکور با محوریت بیت المقدس است. همچنین مرکزیت هر دو فساد و «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»، در آنجاست. به استناد آیه ۵ سوره اسراء:

پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه هایتان (برای قتل و غارت شما) به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است.

نه. عدم گزارش فساد فی الارض بنی اسرائیل تا زمان بُخْتُ النصر

آیه ۵ سوره اسراء حاکی از وعده الهی به سرکوب فسادهاست. طبق نظر صاحبان این عقیده، بُخْتُ النصر عقوبت‌کننده بنی اسرائیل و سرکوب‌کننده فساد آنهاست. پس باید فساد قبل از این نابودی، صورت گرفته باشد، تا وعده عقوبت عملی گردد. «و أَرْضُ الْإِفْسَادِ هِيَ الْأَرْضُ كُلُّهَا، دُونَ اخْتِصَاصِ بِالْقُدْسِ أَوْ فِلَسْطِينَ...» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۳۳)

اما تا زمان بُخْتُ النصر، فساد فراگیری در سرتاسر زمین از آنان گزارش نشده است. پس زمان بُخْتُ النصر نمی‌تواند مصداق نخستین طغیان بنی اسرائیل باشد. افزون بر این، در آن دوران، این بُخْتُ النصر بود که فساد کرد و بنی اسرائیل آنجا فساد نمی‌کردند. «چنان‌که از ظاهر آیه ۵ و ۶ بر می‌آید، که هنوز چنین فساد گسترده‌ای در زمین از طرف بنی اسرائیل و چنین قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا انجام نشده است». (قرائتی، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۳)

در مجموع برای فساد بنی اسرائیل قبل از اسلام و نیز سرکوب شدنشان، دلیل محکمی وجود ندارد.

۵۵. ضعف مبانی روایی تفسیر جامع‌البیان به‌عنوان قدیمی‌ترین نقل‌کننده

اولاً: کسانی که معتقد به وقوع سرکوبی فساد بنی‌اسرائیل در زمان بُختُ النصر هستند به تفسیر طبری استناد می‌کنند و مبنای نظر کسانی که این موضوع را نقل کرده و پذیرفته‌اند چند روایت از صحابه است. روایتی که از «ابن‌زید» آمده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷) روایتی موقوف است، در سلسله راویان آن اثری از معصوم علیه السلام به چشم نمی‌خورد. البته در نظر علمای شیعه، روایتی که به‌جای معصوم علیه السلام به صحابه می‌رسد، از اقسام حدیث ضعیف بوده و از درجه اعتبار ساقط است. (مامقانی، ۱۴۲۸: ۱ / ۲۵۰ - ۲۴۷)

ثانیاً: گزینش و انتخاب این روایات و نیز قرار دادن آن در ذیل موضوع فوق که البته توسط غیرمعصوم انجام شده است، صحیح نیست. به‌ویژه در مورد روایت اول اشکال‌هایی وجود دارد که در جای آن بحث خواهد شد.

ثالثاً: صاحب *تفسیر نمونه*، راوی روایتی که از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به‌واسطه حذیفه بن یمان نقل شده را موثق نمی‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۹)

رابعاً: روایت اصلاً تصریحی به عبارت «فساد بنی‌اسرائیل» ندارد. در روایت تصریح نشده که این ماجراها مصداق فساد بنی‌اسرائیل هستند و تنها یک ماجرای تاریخی را مطرح می‌سازد، که همچون بقیه ماجراهای این قوم از فساد و سرکشی دور نیست.

خامساً: روایتی که در *جامع‌البیان* منسوب به حذیفه از رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۴۶) مبنای عقیده مفسران در خصوص وقوع فساد با مصداق «قتلوا الانبیاء» مطرح شده نیز به فرض صحت، در توضیح دو فساد مطرح در آیه ۴ توسط معصوم علیه السلام قرار نگرفته و ذیل این آیات نیست و صرفاً در جایگاه بیان یک ماجرا از بنی‌اسرائیل است.

بنابراین جمیع مستندات روایی، که مبنای نظر کسانی است که این موضوع را نقل کرده و پذیرفته‌اند، به لحاظ سندی بی‌اعتبار و این احتمال نیز باطل است.

یازده. عدم انطباق روایت اول با ظاهر آیه

حضرت یحیی علیه السلام فرزند حضرت زکریا علیه السلام است و بنابر روایت اول قتل این دو نبی صلی الله علیه و آله و سلم، دو فساد متوالی بوده است. در حالی که به سادگی از ظاهر آیات قابل برداشت است که سرکوبی هر فساد باید بعد از وقوع آن صورت گیرد. در حالی که این روایت، ابتدا دو فساد متوالی و پس از آن دو سرکوبی را بیان نموده که با ظاهر آیه منافات دارد.

لذا با توجه به عدم تطبیق روایت مذکور با قرآن کریم، حتی اگر احتمال خدشه‌دار بودن این روایت مطرح نگردد، لاقلاً الحاق و تطبیق آن با موضوع فساد در این آیات اشتباه است. حال آنکه معصوم علیه السلام

شرط صحت احادیث را عرضه به قرآن و مطابقت با آن می‌دانند. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۶۴)

نکته مهم اینجاست که این روایت تعیین مصداق فساد به قتل یحیی علیه السلام و زکریا علیه السلام یکی از مبانی تفسیر جامع البیان در تطبیق آیات فوق‌الذکر به‌شمار می‌رود.

دوازده. عدم تأیید تفاسیر روایی شیعی و همچنین مخالفت برخی مفسران در تفاسیر روایی البرهان سید هاشم بحرانی و تفسیر قمی هیچ‌گونه حدیثی موافق با این احتمال وجود ندارد. ضمن اینکه قرائتی در تفسیر نور، (قرائتی، ۱۴۲۵: ۵ / ۲۰) و همایون در تاریخ تمدن و ملک مهدوی علیه السلام (همایون، ۱۴۳۲: ۲۲) نسبت آن به زمان بُخْتُ النَّصْرِ را نادرست دانسته و صاحب کتاب مفاهیم القرآن نیز نظر مفسران در مورد وقوع در زمان بُخْتُ النَّصْرِ را موافق با ظاهر این آیات نمی‌داند. (سبحانی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۹۱) همچنین سید جعفر مرتضی عاملی در الصحیح من سیره النبی الاعظم علیه السلام در ذیل مطالبی که از تفسیر المیزان در همین مورد نقل می‌کند، وقوع فساد و سرکوبی در زمان بُخْتُ النَّصْرِ، یا شاپور ذوالاکتاف یا ... را که در تفسیر طبری تحت عنوان روایاتی منسوب به رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است را با اقامه دلایل متعدد، مردود می‌داند. (عاملی، ۱۴۲۶: ۳ / ۴۴) بنابراین مفسرانی که به‌طور جدی در این مورد تحقیق کرده‌اند، انطباق موضوع با مصادیق مورد نظر را مردود می‌دانند.

رد هرگونه احتمال وقوع قبل از اسلام با استناد به روایات

تا اینجا با توجه به دلایل قرآنی و عقلی و منطقی و شواهد تاریخی، عدم امکان وقوع فساد و سرکوبی مورد نظر آیات نخست سوره اسراء مشخص گردید. با این حال در ادامه به سه روایت اشاره می‌گردد که اطلاع از آن در مقام مؤید برای بحث، مفید خواهد بود:

روایت یکم: زمان تأویل اصلی آیات ابتدای سوره اسراء

در بحارالانوار از امیرمؤمنان علیه السلام روایتی در توضیح اقسام آیات قرآن آمده است. اگرچه در این روایت شبهه ضعف منبع و اختلاط و امتزاج متن حدیث با شرح مؤلف وجود دارد اما توجه به آن خالی از لطف نیست. بر پایه این روایت، آیات قرآن به سه دسته تقسیم می‌گردند:

۱. آیاتی که تأویل آنها در زمان تنزیلشان است؛
 ۲. آیاتی که تأویل آنها قبل از زمان تنزیلشان است؛
 ۳. آیاتی که تأویل آنها بعد از زمان تنزیلشان است.
- حضرت پس از بیان اقسام آیات از هر کدام چند مثال می‌زنند: «... آیه «الم غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى

الأَرْضَ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّئَاتُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» نازل شد در حالی که هنوز رومیان غلبه نکرده بودند و بعد از نزول آن غلبه کردند و مانند آن است آیه: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ» این آیات و مانند آن دو، قبل از تاویلشان نازل شدند و همه آنها تاویلشان بعد از تنزیلشان است... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰ / ۷۷)

یعنی ایشان آیه ۴ سوره اسراء را به عنوان مثالی برای نوع سوم - آن دسته از آیات قرآن که تاویل آن بعد از تنزیل آن است - بیان می‌دارند. بر این پایه تاویل اصلی آیات ابتدای سوره اسراء پس از نزول آن می‌باشد. پس هر دو فساد بنی اسرائیل با توجه به این روایت، بعد از نزول آیات آن، یعنی پس از اسلام واقع خواهد شد.

روایت دوم: پیش‌بینی امیرمؤمنان علیه السلام در مورد تشکیل دولت یهود در فلسطین و پیوند با اعراب در آینده و عدم تشکیل دولت یهود قبل از اسلام
در کتاب **زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام** به نقل از عقائد الامامیه روایتی بدین مضمون ذکر گردیده است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین از غرب - به منطقه عربی خاورمیانه - خواهند آمد. از ایشان پرسیدند: یا اباالحسن! پس عرب‌ها در آن موقع کجا خواهند بود؟! فرمود: در آن زمان عرب‌ها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته و متحد و هماهنگ نیستند. از آن حضرت سؤال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟ فرمود: نه، تا زمانی که عرب‌ها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیم‌های جدی آنان دوباره تجدید شود، آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد و عرب‌ها پیروز و متحد خواهند گردید و نیروهای کمکی از - طریق - سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچم‌هایشان نوشته شده: الْقُوَّة. و عرب‌ها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد - و با یهودیان خواهند جنگید - و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر، در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد. در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته‌ها عبور کنند. آنگاه فرمود: و عرب‌ها سه بار با یهود می‌جنگند و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست، هُمای نصرت بر سرشان سایه می‌افکند. بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند. (هاشمی شهیدی، ۱۴۰۵: ۴۷۹)

روایت سوم: «أولی بَأسٍ شَدیدٍ» در آینده و قبل از ظهور

بنابراین روایت «أولی بَأسٍ شَدیدٍ» قومی خدایی هستند که قبل از خروج قائم علیه السلام خداوند آنها را برمی‌انگیزد. امام صادق علیه السلام فرمود: «... بَعَثْنَا عَلَیْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَی بَأسٍ شَدیدٍ فَجَاسُوا خِلالَ الدِّیَارِ؛ (بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها به جستجو درآیند) قومی است که خداوند قبل از خروج قائم علیه السلام برمی‌انگیزد، پس ستمی از آل محمد علیهم السلام را وانمی‌گذارند مگر آنکه [ستم کننده] آن را می‌کشند ... و حجت قائم علیه السلام در میانشان است ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۹۳) با توجه به این روایت مصداق «أولی بَأسٍ شَدیدٍ» در گذشته رخ نداده است، بلکه در آینده خواهد بود. پس ماجرای فساد و سرکوبی هم نمی‌تواند در گذشته اتفاق افتاده باشد و نابودی بنی اسرائیل نیز توسط ایشان در آخرالزمان تحقق خواهد یافت.

اعتبارسنجی روایات فوق

موضوع «نقل به مضمون» و نیز «ممزوج» و مخلوط شدن حدیث با توضیح‌های راوی، دو خدشه‌ای است که استفاده دقیق از حدیث در مواضعی که نیاز به حساسیت و دقت بالا دارد را دچار مشکل می‌کند. با وجود این که دو روایت اول از این سه روایت، به لحاظ سندی و منبع آن ضعیف تلقی می‌شود و در روایت دوم نیز احتمال «مزج» وجود دارد، اما بدون آن دو حدیث مؤید هم موضوع مورد بحث با توجه به دلایل قرآنی و عقلی و منطقی و شواهد تاریخی قابل قبول و اثبات شده است. روایت سوم، وضعیتی کاملاً متفاوت دارد. این حدیث به‌عنوان نمونه‌ای از میان دهها روایت هم‌مضمون خود، آورده شده و بهترین و محکم‌ترین مؤید این بحث است که وجود اسناد و مأخذ بسیار قوی و قابل وثوق، مصداق «عبادا لنا أولی بَأسٍ شَدیدٍ» را افرادی در آینده معرفی می‌نماید.

جمع‌بندی و نتایج به‌دست آمده از این روایات

۱. موضوع آیه ۴ سوره اسراء؛ یعنی دو فساد بنی اسرائیل مربوط به قبل از اسلام نیست.
۲. دولت یهود تا زمان صدور حدیث در صدر اسلام تشکیل نشده است و بنای آن در فلسطین با جمع شدن یهودیان از ناحیه غرب و حمایت آنان در زمان متحد نبودن اعراب در آینده، اتفاق می‌افتد.
۳. مصداق «أولی بَأسٍ شَدیدٍ» و به تبع آن فساد بنی اسرائیل در آینده و حتی آخرالزمان است.

نتیجه

۱. عده‌ای از مفسران معتقدند فسادهای بنی اسرائیل در زمان‌های گذشته انجام شده و قدیمی‌ترین

تفسیری که وقوع این فساد و سرکوبی آن را در زمان بُختُ النصر بیان می‌کند، **جامع البیان** طبری است و در بقیه تفاسیر تا زمان معاصر یا نظریه جدیدی ارائه نشده یا بدون هیچ‌گونه اظهارنظری در مورد وقوع آن در زمان بُختُ النصر، صرفاً نظر وی را نقل قول نموده‌اند و خود در صدد تحلیلی جدید بر آن موضوع نبوده‌اند.

۲. روایتی که در **جامع البیان** منسوب به حذیفه از رسول الله ﷺ منبای عقیده مفسران در خصوص وقوع فساد با مصداق «قتلوا الانبیاء» مطرح شده نیز به فرض صحت، در توضیح دو فساد مطرح در آیه ۴ توسط معصوم ﷺ قرار نگرفته و ذیل این آیات نیست و صرفاً در جایگاه بیان یک ماجرا از بنی‌اسرائیل است.

۳. به استناد آیه نخست سوره اسراء، خداوند نمی‌خواهد گذشته مسجدالاقصی را توضیح دهد، بلکه می‌خواهد چیزهایی را مطرح کند که مربوط به آینده آنجا است.

۴. در ظاهر این آیات، محدوده فساد، فی الارض بیان شده است و این فساد همه گیر و در ابعادی وسیع است. تا قبل از دوران کنونی، بنی‌اسرائیل در مناطق کوچک و محدود در محل زندگی خود دست به مفسده‌هایی زده‌اند اما عملاً فساد از آنان در محدوده تمام زمین گزارش نشده است.

۵. با توجه به روایات مؤید:

یک. موضوع آیه ۴ سوره اسراء؛ یعنی دو فساد بنی‌اسرائیل مربوط به قبل از اسلام نیست.

دو. عدم تشکیل دولت یهود تا زمان صدور حدیث در صدر اسلام و بنای آن در فلسطین با جمع شدن

یهودیان از ناحیه غرب و حمایت آنان در زمان متحد نبودن اعراب

سه. به تصریح روایات مصداق «أولی بأسٍ شدیدٍ» افرادی در آینده و در دوران ظهور امام زمان ﷺ

هستند. در نتیجه فساد بنی‌اسرائیل و سرکوبی فساد بنی‌اسرائیل نیز توسط ایشان در دوران آینده تحقق خواهد یافت. پس مصداق این فساد و سرکوبی در گذشته واقع نشده است.

۶. در نهایت با عنایت به شواهد و نتایج به‌دست آمده، امکان وقوع فساد بنی‌اسرائیل، در گذشته

نسبت به صدر اسلام به کلی منتفی است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- ابن‌خلدون، عبد الرحمن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، *تاریخ ابن‌خلدون*، بیروت، دار الفکر، ج ۲.

- ابوحنان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.

ارزیابی دیدگاه مفسران در زمان وقوع فساد و سرکوبی بنی اسرائیل قبل از اسلام □ ۱۰۳

- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، ۱۴۲۷ ق، *نور ملکوت قرآن*، مشهد، نور ملکوت قرآن، چ ۳.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۳۷۱ ش، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ ۴.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الكبير / مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ ۳.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ سوم.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۲ ق، *مفاهیم القرآن*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سلطان علی شاه گنابادی، سلطان محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چ ۲.
- سید قطب، ۱۴۲۵ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق، چ ۱۷.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شوقی، ابوخلیل، ۱۴۳۴ ق، *اطلس قرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۵.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چ ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۵ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۳ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۴۲۶ ق، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله*، قم، دار الحديث.
- قرائتی، محسن، ۱۴۲۵ ق، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۴۰۹ ق، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الفوائد*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.

۱۰۴ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱۳، تابستان ۱۴۰۱، ش ۵۰

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- مامقانی، عبدالله، ۱۴۲۸ ق، *مصباح الهدایة فی علم الدرایة*، قم، دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۰۷ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر راهنما*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ۱۴۰۵ ق، *زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی*، قم، پرهیز کار.
- همایون، محمدهادی، ۱۴۳۲ ق، *تاریخ تمدن و ملک مهدوی*، تهران، دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یزدی حایری، علی، ۱۴۲۲ ق، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

ب) مقاله‌ها

- خوشدونی، مهدی و مجید منتظرزاده، ۱۳۹۹ ش، «بازنگاهی تحلیلی به فرجام بنی اسرائیل در آخرالزمان با بررسی تطبیقی آیات ۴ تا ۷ سوره اسراء»، *مشرق موعود*، ش ۵۳، ص ۶۹ - ۴۵، قم، مؤسسه آینده روشن.
- رضازاده ملک، رحیم، ۱۳۸۴ ش، «بخت نصر و تاریخ بخت نصری»، *بیک نور*، ش ۱۲، ص ۱۵ - ۳، تهران، دانشگاه پیام نور.
- رضایی کهنمویی، علی، ۱۳۹۷ ش، «مفاد آیات وعید بنی اسرائیل در سوره اسراء»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ش ۲۳، ص ۲۴۹ - ۲۲۵، تهران، دانشگاه امام صادق.
- غلامی، سعید؛ سید رضا مؤدب و سید علی اکبر ربیع نتاج، ۱۳۹۷ ش، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل با تکیه بر عدم ترادف در ترکیب وصفی «عبادا لنا»»، *مطالعات تفسیری*، ش ۳۴، ص ۹۶ - ۷۹، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

منابع اینترنتی

- <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx>
- www.khamenei.ir